



جريدة المحكمة المدنية شهر بازی

تیجه کله را سار این مردم بگذراند
حال هم سیاست اینطور اتفاقها کرده
بر سید آخوندی چه کفته مدقی اعظم
فلسطین فرار کرده و اینها وسائل فرار
اورا از تهران فراهم کردند من دیدم
قضیه مثل این است که راست زیر اینند
روز بعد از آنکه رادیوی ایالتی صدا
زد متنی اعظم فلسطین وارد آیا شده
مارا گرفتهند فرمید راست میگوید و
برای حفظ جان خود و نجات عالم خود
هزبی نوشتند اینها کرد و الات همراه
اویل هم است که در شرکت داشت
عرض کرد.

س - آخر باز برس چه اطلاع
داشت که و کفر فیروز با تو رفته بود
حمام و شاهزاده حلق خراب بود.

ج - آخر در مجلس اول گفت بود.
س - بن از اینترن در اظهارات

دوم خودنمیص بین کرد.
ج - آن قسم را بلی ولی یقه
را تلقین کردند.

س - شما که مامور آگاهی بودید
چطور تلقین شدید که بر ضرر خود
اظهاراتی نمایند؟

ج - من چگونه تو اتوانت اظهاراتی
نگنم آتای سلطان زاده از کوئی میز
خود کتاب قانونی درآورد و ماده ۴۲، ۱۸۴، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۸۰ را خواند
و گفت اگر مطابق این صحتی بر علیه
مقدانی و خواری یکنی بر تو حرجی نیست
تو مامور بودی وامر دیگری را اینجا
گردید ای که نکنم قبول دادم اما در
مواجه با آنها چگونه دروغ بگویم
گفتند قول شرفی دادم که شما را با
هم مواجه نهدم. چنانچه مواجهه ندادند
در سوریتکه بروند نهضت الوله،
خزععل، ارباب گیفسرو هر سخالی

از حقیقت است تلقینی است حتی به من
گفتند فرشی را هم حاضر کنید که
بلطفی دسترسی ندارم فرشی را باز
زندان خواستند این نشانه ها کنیدم
که بروند نهاده تکلیف شود من بفرشی

گفتند قول شرفی دادم اگر کنند که
کارمند اداره منقول کارند نظره شد
ناکهان آبازد خشان و وزارتی داشتند
شتریف داشتند آنی را زنجیر و قرقاچ
ما را که داشتند روزی ما را بازدید
سوار اتوبیل سه راه بخشید ری کردند

ریاقی ما وارد اطاق آفای دادستان
معظمی بعد اطاق آفای اینم تل بند
هشکاری آب شمشیر مسئول آب شمشیر شد
ناکهان که مامیش مسئول آب شمشیر شد
کارمند اداره منقول کارند نظره شد
ناکهان آبازد خشان و وزارتی داشتند
شتریف بوده و آب شمشیر از آن خواهد
بودند بعد از ظهر ما را بازدید

در این موقع دو مامین فرا رسید
و پدرینک لوله هارا باز وصل کردند
هشکاری آب شمشیر مسئول آب شمشیر شد
ناکهان آب شمشیر مسئول کارند نظره شد
سوار از دادستان از آنچه خارج شد رفت
باشند این مقدار باند زمچهار کشی

آنچه معمولی میگوید راجح میگردند
چند سال پیش بخطاب می آزد دادن
شب نیز هشکاری که هشکاری میگردند
ماشین دوخته شده و منتظر بودند آتش
پسرعت خاموش شود لوله هاسوساخ از
آب در آدم و لی از در دید و شنید که
هشکاری آب شمشیر را در آنچه خشان
چند تر میباشد. رفت اطاق آفای اینم
شود که فرشی را که بروند نهاده
راجح بوده تیغه کردن در میگردند
بهزین لوله فرقی بین رهیار
لشکر که آنچه انتشار شد بروند نهاده
شدنند. ولی در جریان امرور حمالها

ریاقی آفای سوززاده آفای سلطان زاده
آفای معمولی دور تادو در اکرند که
آدم گشته ای که گفتم بسیار خوب بشنید
کلیات و جزیات را در جلسه همان روز
برای ۲۰۰۰ یان کردم تا ساعت ۱۰

بعد از ظهر در بروند کفر بود شد
سازار بروند در کفر بود ۳ دست چشم
ایرانیان داشتند بسرعت کلاهای خود
را بر میبرندند. در تمام مدت مشاهی

آتش شناسی ای اند آدمدند آبد غیریان
دو روز شد و چند هزار شهید و زخمی
ایجاد را بسط بیلوبوسی کشید که طی

چاهیر شناسی و کاتانادا بعل امداده است
شناور خود را بروند کفر بود شد

شناور خود را بروند کفر بود شد
را بکرند و ممکن نیستند.

در طرف دو ساعت و دیگر میگردند
حریق کلیه ایبار های سرکاری و همایه
در گذاشتن این مقدار باند زمچهار
که متعارض باشند و تا اوایل از

اطارهای مجاز که بجلوکری آتش
اطیانیان داشتند بسرعت کلاهای خود
را بر میبرندند. در تمام مدت مشاهی

آتش شناسی ای اند آدمدند آبد غیریان
دو روز شد و چند هزار شهید و زخمی
ایجاد را بسط بیلوبوسی کشید که طی

چاهیر شناسی و کاتانادا بعل امداده است
شناور خود را بروند کفر بود شد

شناور خود را بروند کفر بود شد
را بکرند و ممکن نیستند.

ج - فرشی را آوردند بروان
کفر. آیا آتش عباس یعنیاری هم
آنچا بوده؟

ج - خیر.
س - فرشی چطور.
ج - فرشی هم رفته بود.

س - شما در شب واقعه خزععل
کجا بودید.

ج - مطابق ممول در منزل خزععل
ماموریت داشتم.

س - آنچه اند چند نهاده بودید

ج - من بود و منصورخان
س - آتش غیرآشناگی نیود
ج - خیر نهاده من هم تاسیع
و نیم آنچا بود.

س - پس اظهاراتی را که در
برونه هست چه بوده؟

ج - عرض کردم تلخی بوده
س - بیمه مناسب شوارا برای
این کار یافتد؟

ج - چه عرض کنم، از خودشان
پرسیدند.

س - باز برس تلقین کرده طوبی
و ریایه چه میگویند.

ج - یعنیهم تلقین کرده اند اظهارات
آنها را تکمیل میکنم

س - میخواهی اظهارات طوبی و
دبایه رایخانه.

ج - بخواهد.
اظهارات طوبی و
اعلامه خوانده شد.

عفونی بود در حال که آمده
کشید و سرتکا داده گفت:

کشید که بیمه است. مسلمان است تاد

تیجه کله را سار این مردم بگذراند

شناخت در ساعت ۶ و پیش از موقوعه اتفاق

س - بلی، بازه شاهد هست، هرچه هست
بکوئید.

ج - اجازه دارم تامین جانی دارم؛
مثل عرض شاهد در زندان سر بر نیست
غواص شده است.

ج - از این روزهای این روزهای این روز
برای سیاست خود شست تیر را پست
تبلیغات کویلزد باره روز بیوی آلان

دانشگانی را پرورد و گفت.

تیجه کله را سار این مردم بگذراند

شناخت در ساعت ۶ و پیش از موقوعه اتفاق

س - بلی، تامین جانی دار ب

بکوئید.

ج - اجازه دارم تامین جانی دارم؛
مثل عرض شاهد در زندان سر بر نیست
غواص شده است.

ج - از این روزهای این روزهای این روز
برای سیاست خود شست تیر را پست
تبلیغات کویلزد باره روز بیوی آلان

دانشگانی را پرورد و گفت.

تیجه کله را سار این مردم بگذراند

شناخت در ساعت ۶ و پیش از موقوعه اتفاق

س - بلی، تامین جانی دار ب

بکوئید.

ج - اجازه دارم تامین جانی دارم؛
مثل عرض شاهد در زندان سر بر نیست
غواص شده است.

ج - از این روزهای این روزهای این روز
برای سیاست خود شست تیر را پست
تبلیغات کویلزد باره روز بیوی آلان

دانشگانی را پرورد و گفت.

تیجه کله را سار این مردم بگذراند

شناخت در ساعت ۶ و پیش از موقوعه اتفاق

س - بلی، تامین جانی دار ب

بکوئید.

ج - اجازه دارم تامین جانی دارم؛
مثل عرض شاهد در زندان سر بر نیست
غواص شده است.

ج - از این روزهای این روزهای این روز
برای سیاست خود شست تیر را پست
تبلیغات کویلزد باره روز بیوی آلان

دانشگانی را پرورد و گفت.

تیجه کله را سار این مردم بگذراند

شناخت در ساعت ۶ و پیش از موقوعه اتفاق

س - بلی، تامین جانی دار ب

بکوئید.

ج - اجازه دارم تامین جانی دارم؛
مثل عرض شاهد در زندان سر بر نیست
غواص شده است.

ج - از این روزهای این روزهای این روز
برای سیاست خود شست تیر را پست
تبلیغات کویلزد باره روز بیوی آلان

دانشگانی را پرورد و گفت.

تیجه کله را سار این مردم بگذراند

شناخت در ساعت ۶ و پیش از موقوعه اتفاق

س - بلی، تامین جانی دار ب

بکوئید.

ج - اجازه دارم تامین جانی دارم؛
مثل عرض شاهد در زندان سر بر نیست
غواص شده است.

ج - از این روزهای این روزهای این روز
برای سیاست خود شست تیر را پست
تبلیغات کویلزد باره روز بیوی آلان

دانشگانی را پرورد و گفت.

تیجه کله را سار این مردم بگذراند

شناخت در ساعت ۶ و پیش از موقوعه اتفاق

س - بلی، تامین جانی دار ب

بکوئید.

ج - اجازه دارم تامین جانی دارم؛
مثل عرض شاهد در زندان سر بر نیست
غواص شده است.

ج - از این روزهای این روزهای این روز
برای سیاست خود شست تیر را پست
تبلیغات کویلزد باره روز بیوی آلان

دانشگانی را پرورد و گفت.

تیجه کله را سار این مردم بگذراند

شناخت در ساعت ۶ و پیش از موقوعه اتفاق

س - بلی، تامین جانی دار ب

بکوئید.

ج - اجازه دارم تامین جانی دارم؛
مثل عرض شاهد در زندان سر بر نیست
غواص شده است.

ج - از این روزهای این روزهای این روز
برای سیاست خود شست تیر را پست
تبلیغات کویلزد باره روز بیوی آلان

دانشگانی را پرورد و گفت.

تیجه کله را سار این مردم بگذراند

شناخت در ساعت ۶ و پیش از موقوعه اتفاق

س - بلی، تامین جانی دار ب

بکوئید.

ج - اجازه دارم تامین جانی دارم؛
مثل عرض شاهد در زندان سر بر نیست
غواص شده است.

ج - از این روزهای این روزهای این روز
برای سیاست خود شست تیر را پست
تبلیغات کویلزد باره روز بیوی آلان

دانشگانی را پرورد و گفت.

تیجه کله را سار این مردم بگذراند

شناخت در ساعت ۶ و پیش از موقوعه اتفاق

س - بلی، تامین جانی دار ب

بکوئید.

ج - اجازه دارم تامین جانی دارم؛
مثل عرض شاهد در زندان سر بر نیست
غواص شده است.

ج - از این روزهای این روزهای این روز
برای سیاست خود شست تیر را پست
تبلیغات کویلزد باره روز بیوی آلان

دانشگانی را پرورد و گفت.

تیجه کله را سار این مردم بگذراند

شناخت در ساعت ۶ و پیش از موقوعه اتفاق

س - بلی، تامین جانی دار ب

بکوئید.

ج - اجازه دارم تامین جانی دارم؛
مثل عرض شاهد در زندان سر بر نیست
غواص شده است.

ج - از این روزهای این روزهای این روز
برای سیاست خود شست تیر را پست
تبلیغات کویلزد باره روز بیوی آلان

دانشگانی را پرورد و گفت.

تیجه کله را سار این مردم

